

بررسی مفاهیم انسان‌شناسی فرهنگی در داستان رکسانا اثر م. مؤدب‌پور

الهام اسماعیل زاده، دکتر کامران پاشایی فخری، دکتر پروانه عادل زاده



شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۷

چکیده

انسان‌شناسی فرهنگی یکی از شاخه‌های انسان‌شناسی است که مانع از فراموشی باورها و رسوم گروه‌های انسانی می‌شود. فولکلور به مجموعه‌ای از دانستنی‌ها، باورها و رفتارهای مراسمی اطلاق می‌شود که در بین توده مردم سینه به سینه به ارث رسیده و در واقع مجموعه آداب و رسوم، عقاید، افسانه‌ها و رفتارهایی چون شیوه‌های لباس پوشیدن و غیره در شمار فولکلور به شمار می‌رود. مؤدب‌پور یکی از نویسندگان معاصر است که با جمع‌آوری فرهنگ عامه از طریق نوشتار در حفظ آن کوشیده است. آنچه در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده بررسی مقولاتی است که نشان‌دهنده بخش‌های گوناگون فرهنگ عامه است و مؤدب‌پور در نگارش داستان «رکسانا» از آن بهره گرفته است. پژوهش حاضر بیانگر آن است که: امروزه رشد و توسعه تکنولوژی و تأثیرات فراوان آن سبب تغییر بخش‌هایی از فرهنگ جامعه نظیر شیوه‌های سخن گفتن و فراموشی بخش‌هایی از فولکلور مانند آداب و رسوم شده است بنابراین انسان‌شناسان و نویسندگان تلاش می‌کنند با جمع‌آوری فرهنگ عامه در جوامع خود در حفظ آن‌ها کوشا باشند. و کتاب‌های مؤدب‌پور چون روایتگر زندگی واقعی افراد است، در آن‌ها به وفور به عقاید رایج در میان عامه مردم اشاره شده است.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی فرهنگی، رکسانا، مؤدب‌پور، فرهنگ عامه، فولکلور

. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

esmailzadeh_elham@yahoo.com

. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Pashaiekamran@yahoo.com

. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

AdelzadehParvaneh@yahoo.com

۱- مقدمه

از هنگامی که نسل بشر بر کره خاکی پدیدار شده است، همواره در جست‌وجوی پاسخ پرسش‌هایی از این دست بوده که کیست، از کجا آمده است، و چه می‌کند و به کجا می‌رود؟ بخش بزرگی از تاریخ انسان، حاصل کوشش انسان‌ها برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌های بنیادی بوده است. انسان به خاطر نارسایی دانش و فن‌آوری خود و مبهم بودن مفهوم فرهنگ و نبود تعریف روشنی از فرهنگ که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند، در سراسر تاریخ زندگی خود، نتوانسته است یک مجموعه گسترده و قابل اعتماد از رفتار خود و زمینه‌های آن فراهم آورد. از این رو غالباً برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایش به افسانه‌ها و دانش عامیانه دل داده است. «انسان‌شناسی فرهنگی» که در این دو سده اخیر شکل گرفته است، یک رویکرد عملی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که انسان از خود دارد.

انسان‌شناسان فرهنگی در گذشته مطالعات خود را روی جهان غیرصنعتی و غیربازرگانی متمرکز می‌کردند که در حال حاضر بیشتر این فرهنگ‌ها یا از بین رفته یا تغییر یافته‌اند. بنابراین انسان‌شناسان فرهنگی توجه خود را به جوامع رشد یافته صنعتی معطوف کرده‌اند. گذشته از تمرکز روی جوامع شهری و پیچیده انسان‌شناسان فرهنگی علاقمند به مطالعه آن دسته از اعمال فرهنگی هستند که به وسیله مردم‌نگاری مورد بررسی قرار نگرفته است از جمله عادات روانی و بدنی. علاوه بر موارد فوق امروزه انسان‌شناسان و مردم‌نگاران و نویسندگان با جمع‌آوری فرهنگ عامه در جوامع خود سعی در حفظ آن در تاریخ فرهنگ خود دارند. مؤدب‌پور یکی از نویسندگان معاصر است که در آثارش به فرهنگ عامه توجه داشته است. و داستان‌هایش روایتگر زندگی واقعی افراد است و تمام شخصیت‌های داستان‌هایش واقعی هستند. در این پژوهش سعی شده با استفاده از منابع مطالعاتی به این سؤال پاسخ داده شود که: مؤدب‌پور در نگارش داستان «رکسانا» به کدامیک از مقولات مطرح شده در فرهنگ عامه نظر داشته است؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش نخست به بررسی اجمالی فرهنگ عامه و ویژگی‌های آن و رابطه آن با مردم‌شناسی پرداخته می‌شود سپس با استفاده از روش تحلیلی، موارد به کار رفته در داستان رکسانا استخراج و تحلیل می‌شود.

دو دسته از تحقیقات، پیشینه مطالعه حاضرند: دسته اول تحقیقاتی که به تعریف انسان‌شناسی فرهنگی و مفاهیم مطرح شده در این شاخه از انسان‌شناسی اختصاص دارند. این تحقیقات عبارتند از:

۱- کتاب انسان‌شناسی فرهنگی (۱۳۹۰) اثر جمز پیلز، جان بتی و بریک بایلی، ترجمه دکتر نعمت‌الله فاضلی که در این کتاب نویسندگان ضمن تبیین قلمرو علم انسان‌شناسی و کاربرد اجتماعی این علم به تعریف انسان‌شناسی فرهنگی نیز پرداخته‌اند.

۲- کتاب مبانی انسان‌شناسی (۱۳۹۱) نوشته حسن ملک‌زاده که در آن نویسنده ضمن پرداختن به مقوله فرهنگ و فرهنگ عامه به مفاهیم مطرح شده در انسان‌شناسی فرهنگی نیز اشاره کرده است.

دسته دوم تحقیقاتی که در استخراج و تحلیل موارد مرتبط با موضوع مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این تحقیقات عبارتند از:

۱- کتاب تاریخ تمدن ایران قبل از اسلام (۱۳۹۴) نوشته راضیه دانیال که در این کتاب ضمن تعریف فرهنگ و تمدن و معرفی تمدن‌های ایران باستان به عواملی که نشان‌دهنده فرهنگ غنی ایران باستان است، نیز اشاره شده است.

۲- کتاب گزیده و شرح امثال و حکم دهخدا (۱۳۸۱) نوشته فرج‌الله شریفی گلپایگانی که در آن نویسنده ضمن شرح ضرب‌المثل‌هایی که در امثال و حکم آمده موارد کاربرد این ضرب‌المثل‌ها و ضرب‌المثل‌های هم‌مفهوم با آنها را نیز ذکر کرده است.

۳- مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای بازتاب فرهنگ و رسوم ایرانیان عهد صفوی در سفرنامه‌های شاردن و تاورنیه» (۱۳۹۳) نوشته سپیده سپهری که در مجله علمی تخصصی زبان و ادبیات فارسی دهخدا به چاپ رسیده و در آن بازتاب فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان عهد صفوی در سفرنامه‌های شاردن و تاورنیه به دو دسته کلی مردم و دربار تقسیم شده و در هر مورد فرهنگ خاص موجود در آن گروه با توجه به گزارش سیاحان مزبور مورد بررسی قرار گرفته است.

در باب ضرورت و اهمیت این تحقیق باید گفت که بررسی جلوه‌های فرهنگ عامه در آثار داستانی معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر تاکنون در مورد مؤدب‌پور

و آثار وی هیچ کار تحقیقی صورت نگرفته است. همچنین تبیین و بررسی جلوه‌های فرهنگ عامه در متون ادبی از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی کاری جدید و حائز اهمیت است که این خلاءها ضرورت و اهمیت موضوع را مشخص می‌نماید.

انسان‌شناسی از واژه یونانی «آنتروپوس» یعنی انسان و «لوگوس» به معنی شناخت و گفتار آمده است. و از سال ۱۷۹۵ به مفهوم «تاریخ طبیعی انسان» مورد استفاده قرار گرفته است. واژه انسان‌شناسی مبین علمی است که امروزه به نام «انسان‌شناسی جسمانی» خوانده می‌شود. امروزه انسان‌شناسی همان مفهوم گسترده‌ای را دارد که مدت‌هاست واژه انگلیسی «آنتروپولوژی»^۱ در کشورهای انگلوساکسون از آن برخوردار است: و عبارتست از شناخت ماهیت زندگی اجتماعی و جوامع گوناگون انسانی. بنابراین بسیاری از علوم را، که به مطالعه انسان می‌پردازد، در برمی‌گیرد، مانند انسان‌شناسی جسمانی و فرهنگی، مردم‌نگاری، انسان‌شناسی اجتماعی و غیره.

«مطالعه جوامع ابتدایی یکی از جنبه‌های انسان‌شناسی است که به شناخت کامل انسان منجر می‌شود.

به نظر کازنو^۲ آنچه اکنون مردم‌شناسی نامیده می‌شود در گذشته انسان‌شناسی نامیده می‌شد. و این بدان سبب است که قلمرو موضوعی و تحقیقی هر یک از این دو علم کاملاً مشخص نبوده است. در انگلیس و فرانسه هنوز هم عده‌ای مردم‌شناسی را همان انسان‌شناسی فرهنگی یا اجتماعی می‌دانند.

با گسترش زمینه‌های گوناگون مردم‌شناسی جدید و پیدایی دیدگاه‌های تازه، نظریات جدیدی نیز ارائه شده است. از جمله تایلر^۳ بر آن است که برای شناخت جوامع، به ویژه تحقیق در گونه‌های نخستین نهادها و بنیادهای فرهنگی، باید از مردم‌شناسی کمک گرفت. به نظر وی مردم‌شناسی می‌تواند آینه تمام‌نمای جامعه معاصر باشد. یعنی می‌تواند علل به وجود آمدن سازمان‌ها و بنیان‌های کهن فرهنگی جامعه بشری را، که برخی در جوامع معاصر معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده‌اند کشف نماید» (ملک‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۷).

^۱. Anthropology

^۲. Kazano. J

^۳. Tailer. A

سؤال از خدا، هستی و انسان همیشه به عنوان سه سؤال اساسی برای انسان مطرح بوده است. در این میان توجه به انسان و شناخت او از اهمیت ویژه برخوردار است تا آن جا که دعوت به شناخت انسان به عنوان مخلوقی پیچیده از تعالیم اصلی بسیاری از مکاتب فلسفی، عرفانی و ادیان بوده است.

«خسرپناه» در مقاله‌ای تحت عنوان چیستی انسان‌شناسی آورده است:

«اهمیت و ضرورت مبحث انسان‌شناسی از دو حیث قابل توجه و بررسی است:

الف) انسان‌شناسی در چارچوب معارف بشری که سبب معنابخشی به زندگی، عقلانیت و کارآمدی نظام‌های اجتماعی، موجودیت، اعتبار و جهت‌گیری علوم انسانی، و تأثیر در علوم تجربی می‌شود.

ب) انسان‌شناسی در حوزه معارف دینی که سبب توجه انسان به مسأله خداشناسی، نبوت و امامت، معاد و علم اخلاق می‌شود» (خسرپناه و میرزایی، ۱۳۸۹: ۵۰-۴۳).

پدیده فرهنگ آن چنان نزد انسان بدیهی است که معمولاً درباره آن به تفکر نمی‌پردازد زیرا آن را بخشی از وجود خود می‌داند. اما زمانی که به اختلافات و شباهت‌های فرهنگی پی می‌برد خود را با دیگران مقایسه می‌کند این در حقیقت راهی است که انسان‌شناسی در آن گام نهاده است. شناخت منشاء فرهنگ و عوامل مربوط به آن مستلزم مطالعه رفتار انسان، از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل آن، است تا بتوان عوامل فرهنگی و انسانی را از عوامل زیستی آن تمیز داد.

در بررسی عوامل کلی فرهنگ و تمدن، ارتباط بین انسان و محیط، شاخص‌ترین مقوله‌ای است که در زایش فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. کاربرد توانایی‌های انسان در محیط طبیعی و اجتماعی پیامد دو جریان منطقی بین این دو عامل، یعنی انسان و محیط اوست.

«تایلر در تعریف‌های بسیاری که درباره فرهنگ پیشنهاد کرده، فرهنگ را شامل توانایی‌ها و عاداتی می‌داند که آدمی، به عنوان عضو جامعه، کسب کرده است. وی معتقد است پرورش و کاربرد توانایی‌های انسان یکی از اساسی‌ترین وجوه ممیزه جوامع ابتدایی، در حال رشد است. در واقع اصول و روش‌هایی را که جامعه برای این آفرینش فرهنگی به کار می‌برد تمدن آن را می‌سازد» (ملک‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۴).

روی هم رفته منشاء فرهنگ انسانی نه کاملاً ریشه در طبع انسانی دارد و نه در محیط طبیعی، بلکه ریشه در جامعه‌ای دارد که در آن زاده شده و به سر می‌برد و از او انسانی اجتماعی ساخته است.

یک فرهنگ اگر برخی از احتیاجات اولیه خاص افراد خود را برآورده نسازد، قادر به ادامه حیات نیست. هرچه یک فرهنگ احتیاجات مردم را بیشتر برآورده سازد، موفقیت آن بیشتر خواهد بود. «یک فرهنگ باید تولید و توزیع اجناس، کالاها و خدمات مورد لزوم را برای زندگی مردم آماده کند. همچنین فرهنگ باید شرایط مناسبی را برای ادامه بقا و تناسل افرادش به وجود آورد و باید اعضای جدید را «فرهنگ‌آموزی» کند، به طوری که بتواند به صورت بزرگسالان فعال درآیند. فرهنگ باید رده‌های موجود میان اعضای خود را حفظ و رده‌های موجود میان اعضایش و افراد خارجی را نگهداری و تعیین کند. در نهایت فرهنگ باید اعضایش را برای ادامه بقا آماده کند و آنها را به فعالیت‌هایی که برای بقا لازم است ترغیب نماید» (عسکری خائنه و شریف کمالی، ۱۳۸۷: ۲۵۰-۲۴۹).

انسان‌شناسی فرهنگی عبارت است از مطالعه جوامع و فرهنگ‌های معاصر و جوامع و فرهنگ‌های تاریخی اخیر و چنان که از نامش پیداست، تأکید این رشته بر فرهنگ است یعنی باورها و رسوم گروه‌های انسانی. «انسان‌شناسان، شیفته تنوع گسترده مردم جهان و فرهنگ‌هایشان هستند و تلاش برای توصیف، درک و تبیین تنوع فرهنگی از اصلی‌ترین اهدافشان است. ایجاد آگاهی عمومی و افزایش توان انسان‌ها برای تحمل تفاوت‌های فرهنگی موجود میان آن‌ها، وظیفه دیگر انسان‌شناسی است.» (فاضلی، ۱۳۹۰: ۲۱).

انسان‌شناسان برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز خود به تحقیق میدانی در اجتماعات انسانی می‌پردازند.

در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی دو نوع موضوع تحقیق وجود دارد: یکی بر اعمالی تأکید می‌کند که مطابق با رسوم فرهنگ تشخیص داده شده است که معمولاً موضوع فصول کتاب‌های درسی است؛ دوم موضوعاتی است که اعمال قراردادی و مطابق رسوم را مطرح می‌کند.

«انسان‌شناسان فرهنگی در گذشته مطالعات خود را روی جهان غیرصنعتی و غیربازرگانی متمرکز می‌کردند. در حال حاضر بیشتر این فرهنگ‌ها یا از بین رفته و یا تغییر یافته‌اند. بنابراین، انسان‌شناسی فرهنگی توجه خود را به جوامع رشدیافته صنعتی معطوف کرده است.

گذشته از تمرکز روی جوامع شهری و پیچیده، انسان‌شناسان فرهنگی علاقه‌مند به مطالعه آن دسته از اعمال فرهنگی هستند که به وسیله مردم‌نگاری مورد بررسی قرار نگرفته است، برای مثال بسیاری از انسان‌شناسان مطالعه عادات روانی و بدنی که در یک جامعه خاص بین افراد آن مشترک است را شروع کرده‌اند.» (عسکری خانقاه و شریف‌کمالی، ۱۳۸۷: ۵۵۷) در حال حاضر، انسان‌شناسان فرهنگی به مطالعات تطبیقی، با استفاده از داده‌های توصیفی، که به وسیله دیگر انسان‌شناسان جمع‌آوری شده است، می‌پردازند.

مهم‌ترین هدف نگارنده شناسایی آن دسته از مقولاتی است که در انسان‌شناسی فرهنگی مطرح شده و جزئی از فرهنگ عامه به شمار می‌رود و مؤدب‌پور در نگارش داستان رکسانا از آن بهره گرفته است.

۲- مواد و روش تحقیق

در پژوهش حاضر داستان «رکسانا» اثر م. مؤدب‌پور از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی و مسائل مطرح شده در آن مورد بررسی قرار گرفته است و همان‌گونه که در سوابق کار هم اشاره شد دو دسته از تحقیقات پیشینه مطالعه حاضرند: دسته اول تحقیقاتی که به تعریف انسان‌شناسی فرهنگی و مفاهیم مطرح شده در این شاخه از انسان‌شناسی اختصاص دارند. مانند: کتاب مبانی انسان‌شناسی (۱۳۹۱) نوشته حسن ملک‌زاده که در آن نویسنده ضمن پرداختن به مقوله فرهنگ و فرهنگ عامه به مفاهیم مطرح شده در انسان‌شناسی فرهنگی نیز اشاره کرده است.

و دسته دوم تحقیقاتی که در استخراج و تحلیل موارد مرتبط با موضوع مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مانند: کتاب گزیده و شرح امثال و حکم دهخدا (۱۳۸۱) نوشته فرج‌الله شریفی گلپایگانی که در آن نویسنده ضمن شرح ضرب‌المثل‌هایی که در امثال و حکم دهخدا آمده موارد کاربرد این ضرب‌المثل‌ها و ضرب‌المثل‌های هم‌مفهوم با آن‌ها را نیز ذکر کرده است.

این پژوهش بر اساس هدف از روش بنیادی نظری پیروی می‌کند و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. برای دستیابی به هدف مورد نظر پژوهش، از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است به این معنا که پس از بررسی دقیق و همه‌جانبه در مورد موضوع حاضر و معرفی انسان‌شناسی فرهنگی و خوانش داستان رکسانا و استخراج موارد مرتبط با موضوع، کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با انسان‌شناسی فرهنگی مورد بررسی و تفحص قرار گرفته و پس از طبقه‌بندی در بخش‌ها تجزیه و تحلیل شده است.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- خصوصیات فرهنگ

انسان‌شناسان با توجه به مطالعات تطبیقی فرهنگ‌های گوناگون به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از خصوصیات در تمامی فرهنگ‌ها قابل مشاهده هستند. مطالعه دقیق این خصوصیات به فهم اهمیت و عملکرد فرهنگ کمک می‌کند.

«۱- فرهنگ عام (مشترک) است یعنی یک تفکر یا عمل هنگامی فرهنگی است که به طور مشترک در برخی از جمعیت‌ها یا گروه‌ها وجود داشته باشد. حتی اگر جامعه فاقد عقیده یا رفتاری مشترک باشد اما تصور مناسب بودن آن رفتار در ذهن مردم وجود داشته باشد در آن صورت این تصور فرهنگی است.

۲- فرهنگ آموختنی (اکتسابی) است: تمام آنچه در یک جامعه مشترک است لزوماً فرهنگی نیست. ما به خصوصیات فرهنگی می‌گوییم که گذشته از مشترک بودن، اکتسابی نیز باشند.

۳- فرهنگ وابسته به نشانه‌ها (سمبول‌ها) است: «لسلی وایت»^۱ معتقد است که «سرآغاز تمام رفتارهای انسان کاربرد نشانه‌هاست. هنر، مذهب و پول همه شامل کاربرد نشانه است و زبان یعنی جانشینی کلمات برای اشیاء مهم‌ترین سیمای نشانه‌ای است که انسان را در انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر توانا می‌سازد.»

۴- فرهنگ جامع (کلی) است: انسان‌شناسان برای مقایسه و تحلیل فرهنگ آن را به اجزای مختلفی تقسیم می‌کنند، ولی این تقسیم‌بندی مصنوعی است. و لازم است که همه

^۱. White. L

جنبه‌های یک فرهنگ مورد مطالعه قرار بگیرد تا مطالعه به صورت کامل و دقیق انجام شود» (ملکزاده، ۱۳۹۱: ۶۹-۶۶).

۲-۳- فرهنگ عامه یا فولکلور

در هر جامعه‌ای معمولاً ادبیاتی نانوشته وجود دارد که جزء فرهنگ آن جامعه محسوب می‌شود، این ادبیات نانوشته که از نسلی به نسل دیگر، و بیشتر به صورت شفاهی انتقال داده می‌شود فولکلور یا فرهنگ عامه نامیده می‌شود. و مواردی مانند: آداب و رسوم، عقاید، عادات، افسانه‌ها، حکایت‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها و اشعار عامیانه و رفتارهایی چون شیوه‌های غذا خوردن، لباس دوختن و لباس پوشیدن، آداب و رسوم کفن و دفن، مراسم عروسی و ... را در بر می‌گیرد. (همان، ۱۳۹۱: ۸۳)

۳-۳- فولکلور و مردم‌شناسی

ترانه‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها، دو بیتی‌ها، خرافه‌ها و افسانه‌های محلی بخش مهمی از فرهنگ عامه یا فولکلور است و منبع گرانبهایی برای پژوهشگران مردم‌شناس. «مردم‌شناسان با استفاده از آثار فولکلوریک که از کهن‌ترین میراث فرهنگی انسان است و خاستگاهی جز زندگی ساده و فعال او ندارد، می‌توانند به ژرفای زندگی مردم راه یابند و به شیوه اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آگاهی پیدا کنند» (ملکزاده، ۱۳۹۱: ۸۴).

۴-۳- خلاصه داستان رکسانا و معرفی نویسنده

مؤدب‌پور متولد ۱۳۳۷ یکی از نویسندگان معاصر است. لحن محاوره‌ای مؤدب‌پور در دیالوگ‌نویسی به نوعی شکستن روش کلاسیک دیالوگ‌نویسی برای عامه‌پسندهاست. او به سبک سنتی عامه‌پسندنویس‌ها پی درددل پسران و دختران شکست‌خورده می‌نشیند و داستان زندگی آن‌ها را موضوع آثار خود قرار می‌دهد. مؤدب‌پور ادعا دارد که کتاب‌های او از دل درد و رنج اجتماع بیرون می‌آید و تمام شخصیت‌های داستان‌هایش واقعی هستند. یکی از داستان‌های مؤدب‌پور «رکسانا» نام دارد. این داستان مانند اکثر داستان‌های نویسنده با حضور دو نقش اصلی مانی و هامون آغاز می‌شود که مانی شوخ و بذله‌گو و هامون غمگین

و ساکت است. داستان از آن‌جا آغاز می‌شود که این دو نفر می‌فهمند عمه‌ای دارند و هامون در سیر اتفاقات با دختری به نام رکسانا آشنا می‌شود که می‌خواهد با او ازدواج کند اما مرگ رکسانا مانع از این کار می‌شود. در پایان داستان هامون بنا به وصیت رکسانا اعضای بدن او را اهدا می‌کند و با این کار به تعبیر مؤدب‌پور یک رکسانا تبدیل به ده رکسانا می‌شود.

۳-۵- بررسی مفاهیم انسان‌شناسی فرهنگی در رکسانا

فرهنگ عامه از یکسو با انسان‌شناسی و از سوی دیگر با ادبیات مرتبط است و نقش آن در تحقیقات انسان‌شناسی امری انکارناپذیر است. امروزه رشد و توسعه سریع تکنولوژی و تأثیرات فراوان آن سبب تغییر فرهنگ افراد جامعه و فراموشی فرهنگ فولکلور توسط خود افراد جامعه شده است بنابراین انسان‌شناسان، مردم‌شناسان، مردم‌نگاران، فولکلورشناسان و نویسندگان در پاره‌ای از تحقیقات خود به تعیین جایگاه فرهنگ در زندگی عامه مردم می‌پردازند و تلاش می‌کنند که با جمع‌آوری فرهنگ عامه در جوامع خود از طریق نوشتار، ضبط صدا، عکس و فیلم در حفظ همه آن‌ها در تاریخ و فرهنگ خود کوشا باشند. دریافت‌های حاصل از روند پژوهش بیانگر این مطلب است که مؤدب‌پور در رکسانا عباراتی را به کار برده که نشان‌دهنده بخش‌های گوناگون فرهنگ عامه یا فولکلور مثل آداب و رسوم، عقاید، مثل‌ها، شیوه‌های لباس پوشیدن و غیره است.

آداب و رسوم که زیرمجموعه فرهنگ عامه قرار می‌گیرد و انسان‌شناسی فرهنگی به بررسی آن می‌پردازد «یکی از مظاهر معنوی تمدن است و آداب و رسوم هر سرزمین نشان‌دهنده فرهنگ هر سرزمین می‌باشد و تنوع آداب و رسوم‌ها هم دلیلی بر غنی بودن فرهنگ آن سرزمین است.» (دانیال، ۱۳۹۴: ۶۹)

از جمله آداب و رسومی که مؤدب‌پور به آن اشاره کرده مراسم عروسی مسیحیان است که در کلیسا انجام می‌شود و عمه لیا هنگام تعریف سرگذشت خود به آن اشاره کرده است: «بعد از سه سال، روزی که قرار بوده با همدیگه برن کلیسا و ازدواج کنن، می‌رن سر قبر سربوژا و گل و این چیزها می‌برن و دوباره ازش مثلاً اجازه می‌گیرن بعدش می‌رن کلیسا.» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۷۹-۷۸)

در عبارت فوق به رسم دیگری نیز اشاره شده و آن اجازه گرفتن از شخص متوفی برای ازدواج است که با رفتن بر سر قبر وی انجام می‌شود.

از دیر باز در میان ایرانیان هیچ‌گاه رسم نبوده که بدون دعوت و سرزده به جایی بروند و آن را عملی دور از ادب و نزاکت می‌دانستند هرچند که میزبان از خویشان نزدیک باشد. مؤدب‌پور هم در رکسانا به این رسم اشاره کرده و از زبان هامون خطاب به مانی می‌گوید:

«خوب نیس هنوز به هم نرسیده ناهار بمونیم اینجا!

مانی - چرا خوب نیس!

- خب خوب نیس دیگه! یعنی باید اونا ازمون دعوت کنن! یا حداقل حسابی اصرارمون

کنن!

این جوری زشته!

مانی - ناهار خونه عمه موندن که دعوت قبلی نمی‌خواد!

- حالا دعوت قبلی نه! حداقل چهار تا تعارف که باید بکنن» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۸۶)

عقاید رایج در میان عامه مردم جلوه‌ای از فرهنگ عامه یا فولکلور است. «ذوالفقاری» در مقاله‌ای تحت عنوان متن‌شناسی عقایدالنساء یا کلثوم ننه آقا جمال خوانساری آورده است: «عقاید عامه در متن زندگی و فرهنگ اقوام و ملت‌ها جریان دارد و به شکل‌های گوناگون خود را نمایان می‌سازد و رفتار و کردار و پندار آدمی تحت تأثیر آن است و بنا بر عادت و رسم، تکرار می‌شود و استمرار می‌یابد. چگونگی پیدایش این عقاید معلوم نیست و از منابعی چون محیط، وقایع، دانش، تجربیات پیشین، تصورات و غیره حاصل شده و به مرور در ذهن آدمی شکل واقعی یافته و به حقیقت تبدیل شده است و بسیاری از آن‌ها نتیجه تجربیات و استدلال منطقی آدمی است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۸۰)

کتاب‌های مؤدب‌پور روایتگر زندگی واقعی افراد است به همین دلیل او در آن‌ها به وفور به عقاید رایج در میان عامه مردم اشاره کرده است. عقایدی مانند:

اعتقاد به وجود لولو (وجودی وهمی که کودکان را با آن می‌ترسانند)

مانی وقتی برای اولین بار رکسانا را می‌بیند از روی ترس او را لولو خطاب کرده و به هامون می‌گوید: «وای لولو! پسرعموجون نذاری این منو بخوره ها!» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲)

بلندی بخت

مانی هامون را دارای بخت بلندی می‌داند و رسیدن به هدفشان را به بلندی بخت او نسبت می‌دهد و می‌گوید:

«از اون جا که بخت این هامون مثل تیر چراغ برق بلنده و دل شم پاکه، زد کافی شاپ از کار در اومد!» (همان، ۱۳۹۱: ۱۶)

اعتقاد به بزرگی خداوند

گاهی عقاید رایج در میان مسلمانان از اعتقادات دینی آنان سرچشمه می‌گیرد مانند اعتقاد به بزرگی خداوند که مؤدب‌پور از زبان مانی به این عقیده اشاره کرده و می‌گوید:

«این یکی دیگه شوخی نیس! کار سختی‌یه!

مانی - خدا بزرگه!» (همان، ۱۳۹۱: ۳۱)

اعتقاد به قسمت

آدمی آن‌گاه که نمی‌تواند برای حوادث علت منطقی بیابد آن را به قسمت یعنی تقدیر و سرنوشت نسبت می‌دهد و مؤدب‌پور هم در پاره‌ای از عبارات از زبان مانی به این مطلب اشاره کرده است:

۱- «بیا! حتماً قسمت نیس که ما امشب دختر عمه مون رو ببینیم! با قسمت م که نمی‌شه جنگ کرد! بیا بریم!» (همان، ۱۳۹۱: ۳۸)

۲- «مانی - واگذارش کن به قسمت!

- قسمت یعنی چی؟ واستا ببینم!

مانی - قسمت یعنی سرنوشت و تقدیر و پیشونی نویس!

مانی - هرکس یه پیشونی نویس داره! هر چه تو پیشونی آدم نوشته باشن همونه!» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۳۸)

۳- «مانی - قسمت! واگذارش کن به قسمت! اگه قرار باشه ما این ترمه خانم رو ببینیم، می‌بینیم» (همان، ۱۳۹۱: ۳۹)

اعتقاد به گمراه کننده بودن شیطان

این عقیده از جمله عقایدی است که از باورهای دینی مسلمانان سرچشمه گرفته است و

مؤدب‌پور از زبان مانی به آن اشاره کرده است. مانی در گفتگو با هامون گمراه کردن شیطان را علت کارش دانسته و می‌گوید:

«مانی - غلط کردم هامون! چیز خوردم! به خدا شیطون گولم زد!» (همان، ۱۳۹۱: ۶۱).

اعتقاد به نفرین

آدمی وقتی در برابر مصیبتی که بر او وارد شده چاره‌ای جز تسلیم نمی‌بیند گاه برای کاهش آلامش دست به رفتارهای دور از ادب و نزاکت مثل نفرین کردن می‌زند. در داستان «رکسانا» هم مادر سریوشکا چاره‌ای جز پذیرش مرگ پسر نمی‌بیند و در نتیجه به مراسم عروسی مادر بزرگ عمه لیا رفته و او را نفرین کرده خطاب به او می‌گوید:

«من مادر سریوشکا از طرف خودم و همه اقوامم در این مکان مقدس تورو نفرین

می‌کنم! ...

اما تو شومی، نحسی! ما همه نفرین می‌کنیم که تو و بازمانده‌ها ت هیچ وقت در زندگی آرامش نداشته باشی و از خداوند می‌خواهیم که سایه شوم تورو از این شهر دور کنه!» (همان، ۱۳۹۱: ۸۰-۷۹)

اعتقاد به چیزخور کردن افراد

اعتقاد به چیزخور کردن یکی از عقاید رایج در میان عامه مردم است و با اینکه عملی دور از ادب و نزاکت است اما در گذشته مردم چنین تصور می‌کردند که می‌توانند با اضافه کردن چیزی به غذا یا آشامیدنی طرف مقابل به مقصودشان برسند. در داستان «رکسانا» هم وقتی مانی علتی برای رفتار عجیب هامون نمی‌یابد این باور عامیانه را علت رفتار او دانسته و خطاب به هامون می‌گوید:

«دوباره آروم گفت:

- یعنی چیزخورت کردن؟ (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۸۷)

اعتقاد به وجود شانس و خوش اقبالی

اعتقاد به وجود شانس و خوش‌شانسی افراد از عقاید رایج در میان عامه مردم است که در مجموعه فعالیت‌ها و روند زندگی اجتماعی هم بی‌تأثیر نیست. افراد وقتی علتی برای

موفقیت خود یا دیگران نمی‌یابند آن را به شانس و خوش‌شانسی خود یا طرف مقابل خود نسبت می‌دهند.

مانی وقتی داستان فیلم را از زبان ترمه می‌شنود شوهر آن زن را خوش‌شانس معرفی کرده و می‌گوید:

۱- «چه شوهر خوش اقبالی!» (همان، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

ترمه درست فیلم بازی کردن را کاری مشکل توصیف کرده و علت خوب در آمدن سکانس را شانس می‌داند و می‌گوید:

۲- «ترمه - نه! اگر هر شب بتونیم دو دقیقه فیلمبرداری مفید داشته باشیم عالیه! نگاه به این صحنه نکن! این شانسی خوب در اومد» (همان، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

اعتقاد به تأثیر پاکی دل در برآورده شدن خواسته‌ها

در میان عامه مردم این اعتقاد وجود دارد که پاک بودن دل در برآورده شدن خواسته‌ها تأثیر دارد و هرکس دل پاکی داشته باشد زود به خواسته‌اش می‌رسد. این عقیده ریشه در باورهای دینی دارد و این که پاکی دل سبب اجابت سریع دعاهاست. ترمه در گفتگو با مانی به پاک بودن دلش و این که دعاهايش زود مستجاب می‌شود اشاره کرده و می‌گوید:

«ترمه - آره، حواست باشه! من چون دلم پا که هر چی از خدا می‌خوام زود بهم می‌ده!» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

ضرب‌المثل‌ها که در زمره فرهنگ عامه قرار می‌گیرند و انسان‌شناسی فرهنگی به بررسی آن‌ها می‌پردازد در واقع جملات کوتاهی هستند که دارای معانی و مفاهیم عمیقی می‌باشند و بخشی از فرهنگ اصیل غنی و تأثیرگذار هر جامعه به شمار می‌روند. استفاده از ضرب‌المثل‌ها گوینده را از بیان سخن طولانی و غیرضروری بی‌نیاز می‌کند به طوری که قادر خواهد بود منظور اصلی خود را با کوتاه‌ترین و مؤثرترین جمله به شنونده منتقل کند (سلیمی، ۱۳۹۳: ۷) که مؤدب‌پور به خوبی از این ویژگی مثل آگاهی داشته و در نگارش رکسانا از مثل‌های رایج در میان عامه مردم بهره گرفته است. به عنوان مثال:

۱- مانی و هامون در پاسخ رکسانا که پیغام عمه را برای آنها آورده و از آنها درخواست

کمک کرده می‌گویند:

«رکسانا خانم به عمه‌مون پیغام بدین که از این هندونه‌ها زیر بغل ما جا نمی‌گیره.»
(همان، ۱۳۹۱: ۲۰)

این ضرب‌المثل برای تهییج و ترغیب نمودن و گول زدن کسی برای شروع به کاری یا در پیش گرفتن راهی صعب و دشوار به کار می‌رود و معادل باد در آستین کسی انداختن است (شریفی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۹۴۶). یعنی به عمه بگویید ما را افراد بزرگی تصور نکند چرا که ما توانایی انجام این کار را نداریم.

۲- وقتی مانی به دیدار عمه می‌رود به طور ضمنی از عمه ترمه را خواستگاری می‌کند و وقتی رکسانا به او قهوه تعارف می‌کند از خوردن قهوه خودداری کرده و می‌گوید: «تا معامله تموم نشه نمی‌خورم! نمک‌گیر می‌شیم کلاه سرمون می‌ره!» (همان، ۱۳۹۱: ۸۵). در این ضرب‌المثل به نمک و نمک‌گیر شدن اشاره شده است. «ذوالفقاری» در مقاله‌ای تحت عنوان متن‌شناسی عقایدالنساء یا کلثوم ننه آقا جمال خوانساری آورده است: «اغلب مردم دنیا برای نمک حرمت و اهمیت قائل هستند و در ایران به نمک قسم یاد کرده، اعتقاد دارند از برکات پراهمیت است. این باور سرچشمه در این واقعیت دارد که نمک نماد فسادناپذیری است. از این رو عهد نمک نشانه عهدی ناشکستنی است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۸) یعنی تا وقتی عمه جواب مثبت نداده من لب به چیزی نمی‌زنم تا بتوانم در صورت منفی بودن جواب با عمه مخالفت کنم.

۳- مانی در پاسخ هامون در مورد ازدواجش با ترمه می‌گوید «آخه نه به داره نه به باره اسمش خاله موندگاره» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۰) اصل این ضرب‌المثل بدین صورت آمده است: «نه به دار است نه به بار است اسمش علی خدایار است» (دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۸۴۵) که کنایه از قطعی نبودن امریست. نه به دار و نه به بار اشاره به قالی است که بر روی دار در حال بافته شده است و یا بر روی بار (جدا شده از دار) و آماده برای فروش و استفاده است (شریفی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۸۱۴). یعنی ازدواج من با ترمه به دلیل مخالفت پدرم هنوز قطعی نیست.

۴- مانی در جواب ترمه پس از شنیدن داستان فیلمی که ترمه در آن بازی می‌کند می‌گوید

می‌گوید «دست چپ و راست شوهره زیر سر ما» (همان، ۱۳۹۱: ۱۱۵) این عبارت دعائی است که به منظور توفیق و درخواست تعالی و پیشرفت برای کسی و در رابطه با داشتن همسری موافق به کار می‌رود (همان، ۱۳۸۱: ۳۴۱).

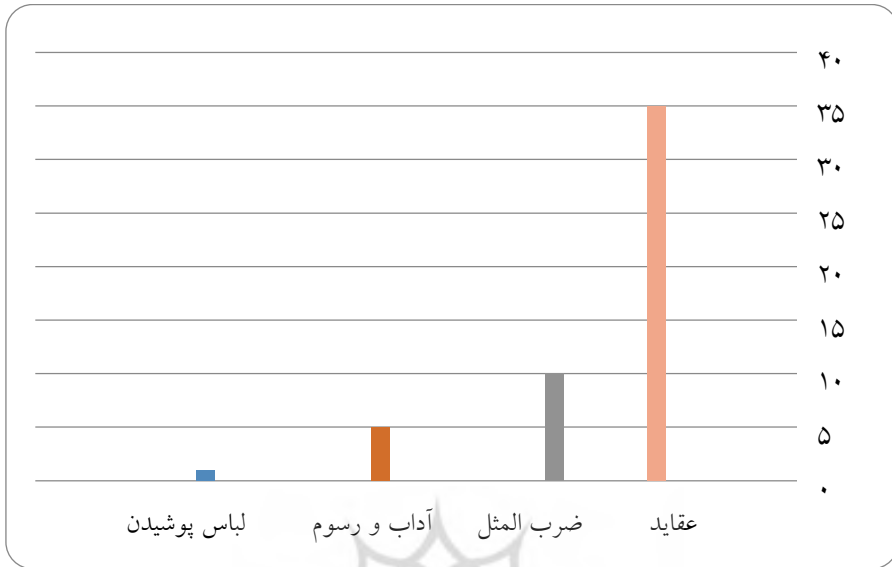
یعنی ای کاش ما هم به نیکبختی برسیم و کار ما هم مانند شوهر آن زن اصلاح شود و از این مشکل رهایی یابیم.

۵- هامون در جواب ترمه بعد از آگاهی از وضعیت مالی دختران ایرانی ساکن دبی می‌گوید «به قول قدیمیا باید کلاه‌مونو بذاریم بالاتر» (همان، ۱۳۹۱: ۱۱۵). این ضرب‌المثل در مورد مسامحه در مواظبت از فلان منسوب یا زبردست که موجب رسوایی می‌شود به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۱۲۴). یعنی با چشمی بازتر به دنیای پیرامون مان بنگریم و متوجه مسائل پیرامون خود باشیم و با مسائل با غیرت بیشتری روبه‌رو شویم.

کسوت پوشیدن و شیوه‌های آن که در انسان‌شناسی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد جزء لاینفک فرهنگ عامه است و هرگاه آداب و رسوم ملتی مورد بررسی قرار گرفته به مسئله پوشش و لباس‌هایی که زنان و مردان در مراسم مختلف از آن‌ها استفاده می‌کنند نیز اشاره شده است. به عنوان مثال شاردن و تاورنیه که در دوره صفوی سفرهایی به ایران داشته‌اند در سفرنامه‌هایشان ضمن پرداختن به فرهنگ و رسوم ایرانیان عهد صفوی به مسئله پوشش ایرانیان نیز اشاراتی داشته‌اند (سپهری، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۳).

بر اساس اطلاعات به دست آمده از منابع مکتوب در میان جوامع مختلف شیوه‌های خاصی برای لباس پوشیدن وجود دارد که برخی از این شیوه‌ها مشترک و برخی متفاوتند. از جمله شیوه‌های مشترک لباس پوشیدن این است که هیچ‌کس با لباس سیاه در مراسم عروسی شرکت نمی‌کند که مؤدب‌پور هم در «رکسانا» به این مسئله اشاره کرده است:

«وقتی مراسم تموم می‌شه و این دو تا زن و شوهر می‌شن یه مرتبه در کلیسا وا می‌شه و مادر و پدر و اقوام سریوژا یا سریوشکا، با لباس سیاه عزاداری، آروم می‌آن تو کلیسا! خب می‌دونی که یه هم‌چین رسمی نیس که تو مراسم عروسی، کسی با لباس سیاه وارد بشه!» (مؤدب‌پور، ۱۳۹۱: ۷۹)



(۱) نمودار بسامد بخش‌های گوناگون فرهنگ عامه در رکسانا

۴- نتیجه‌گیری

بعد از مطالعه داستان رکسانا و آثار مرتبط با انسان‌شناسی فرهنگی و فرهنگ عامه یا فولکلور

به نتایج زیر دست می‌یابیم:

۱- فرهنگ مفهومی مبهم دارد و سال‌هاست که در رشته‌های مختلف از آن بحث شده است و با آن که جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان تلاش‌های بسیاری برای شناخت آن کرده‌اند هنوز تعریف روشنی از فرهنگ که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند، عرضه نشده است.

۲- مطالعات مردم‌شناسی در زمینه فرهنگ عام در ایران مرزهای مشترکی با انسان‌شناسی هنر و به خصوص هنرهای شفاهی دارد. این اشتراکات عبارتند از: قصه، افسانه، چیستان یا معما و ضرب‌المثل‌ها.

۳- انسان‌شناسان می‌توانند با آشنا کردن دانشجویان با آداب و رسوم و ارزش‌های

اجتماعی گامی مؤثر در مسیر شناخت فرهنگ عامه و پیشرفت و توسعه آن بردارند.

- ۴- با توجه به نمودار و موضوعات مطرح شده در این مقاله می‌توان گفت که: امروزه رشد و توسعه سریع تکنولوژی و تأثیرات فراوان آن سبب تغییر بخش‌هایی از فرهنگ افراد جامعه و فراموشی بخش‌هایی از فرهنگ فولکلور شده است بدین معنا که عقاید رایج در میان مردم همچنان به قوت خود باقی است و رشد و توسعه تکنولوژی سبب تغییر در شیوه‌های سخن گفتن و در نتیجه کمرنگ‌تر شدن ضرب‌المثل‌ها و از بین رفتن آداب و رسوم و تغییر کلی پوشاک مورد استفاده مردم شده است. بنابراین انسان‌شناسان، فولکلورشناسان و نویسندگان تلاش می‌کنند با جمع‌آوری فرهنگ عامه در جوامع خود از طریق نوشتار و غیره در حفظ آن‌ها کوشا باشند.
- ۵- مؤدب‌پور نویسنده متعصب مذهبی نیست و در کنار تبیین آداب و رسوم رایج مسلمانان، به موارد مسیحیان نیز اشاره دارد.
- ۶- ایرانیان از دیرباز معتقدند که انجام هر کاری آداب خاصی دارد و همواره خود را ملزم به رعایت این آداب می‌دانند و عدم رعایت آن را عملی دور از نزاکت به شمار می‌آورند. تنوع آداب و رسوم نشان دهنده غنای فرهنگی این سرزمین است که مؤدب‌پور هم از این مسئله آگاهی داشته بنابراین در نگارش داستان رکسانا به اقتضای کلام به آداب و رسوم رایج در جامعه اشاره کرده است.
- ۷- کتاب‌های مؤدب‌پور روایتگر زندگی واقعی افراد است. به همین دلیل او در آن‌ها به وفور به عقاید رایج در میان عامه مردم اشاره کرده است.
- ۸- عقاید رایج در میان عامه مردم گاهی واقعی است مانند اعتقاد به این مسئله که شیطان باعث گمراهی است و گاهی نادرست و بر پایه خرافات است مانند اعتقاد به وجود لولو.
- ۹- مؤدب‌پور با وجود این که در رکسانا به عقاید رایج در میان عامه مردم اشاره کرده است اما در مورد آن‌ها به داورى نپرداخته و با مطالعه این داستان نمی‌توان به اعتقاد واقعی او در مورد پذیرش یا رد این عقاید پی برد.
- ۱۰- مؤدب‌پور به تقدیر و سرنوشت اعتقاد دارد. هرچند این اعتقاد ممکن است عامیانه به نظر برسد اما این کتاب به روش عامه‌پسند نویسی و برای عامه مردم نگارش یافته به همین دلیل وجود این اعتقاد از نقاط ضعف آن به شمار نمی‌آید.

۱۱- ایرانیان قدیم غالباً افراد نکته سنجی بوده‌اند. مؤدب‌پور هم با این که از نویسندگان معاصر است و در داستان رکسانا جامعه معاصر را به تصویر کشیده اما سعی کرده است همانند گذشتگان نکته‌سنج باشد بنابراین به اقتضای کلام از ضرب‌المثل‌ها بهره برده و منظور خود را با کوتاه‌ترین و مؤثرترین جمله به خواننده منتقل نموده است.

۱۲- در میان جوامع مختلف شیوه‌های خاصی برای لباس پوشیدن وجود دارد که برخی از این شیوه‌ها مشترک و برخی متفاوتند. از جمله شیوه‌های مشترک لباس پوشیدن این است که هیچ‌کس با لباس سیاه در مراسم عروسی شرکت نمی‌کند که مؤدب‌پور هم در رکسانا به این مسئله اشاره کرده است.



فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. دانیال، راضیه، (۱۳۹۴)، تاریخ تمدن ایران قبل از اسلام، ابتکار دانش، قم، ص ۷۲.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۰)، امثال و حکم، ج ۴-۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۲۴۲۲.
۳. سلیمی، زهرا، (۱۳۹۳)، پند و مثل (ضرب‌المثل‌های ایرانی)، ابتکار دانش، قم، ص ۷۲.
۴. شریفی گلپایگانی، فرج‌الله، (۱۳۸۱)، گزیده و شرح امثال و حکم دهخدا، ج ۱-۲، انتشارات هیرمند، تهران، ص ۵۰۶.
۵. عسکری خانقاه، اصغر و شریف کمالی، محمد، (۱۳۸۷)، انسان‌شناسی عمومی، انتشارات سمت، تهران، ص ۵۶۰.
۶. فاضلی، نعمت‌الله، (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی فرهنگی (جستارهایی در قلمرو انسان‌شناسی فرهنگی)، (ترجمه)، ناشر: آراسته، تهران، ص ۳۲۶.
۷. ملک‌زاده، حسن، (۱۳۹۱)، مبانی انسان‌شناسی، نشر علم، تهران، ص ۳۵۸.
۸. مؤدب‌پور، م، (۱۳۹۱)، رکسانا، نشر علم، تهران، ص ۵۵۶.

مقالات

۹. خسریناه، عبدالحسین و میرزایی، رضا، (۱۳۸۹)، «چیستی انسان‌شناسی»، انسان‌پژوهی دینی، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۳۵-۵۶.
۱۰. ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۳)، «متن‌شناسی عقایدالنساء یا کلتوم نه آقا جمال خوانساری (با تکیه بر باورها و آداب و رسوم، دین عامیانه، وضعیت زنان)»، متن‌پژوهی ادبی، شماره ۵۹، صص ۷-۲۶.
۱۱. سپهری، سپیده، (۱۳۹۳)، «بررسی مقایسه‌ای بازتاب فرهنگ و رسوم ایرانیان عهد صفوی در سفرنامه شاردن و تاورنیه»، مجله علمی - تخصصی زبان و ادبیات فارسی دهخدا، شماره ۲۲، صص ۱۶۱-۱۹۰.